

From the Critical Attitude to Self-Care: Review of *What Is Critique and the Care of the Self*

Muhammad Asghari*

Neda Mohajel**

Abstract

This article reviews Michel Foucault's late work, entitled *What Is Critique and the Care of the Self*, which deals with both the content of the book and its Persian translation. Foucault's most recent work, especially in this book, deals with the subject of Kantian Enlightenment and the question of the ethics of taking care of a particular attitude to the subject and its governance and upbringing to express its critical view of modernity and social and moral structures. What is Foucault's critique of the Kantian epistemological approach to the question of "what can I know?" Redirects to the critical question and believes that critique is a redefined movement that gives the subject the right to know the truth about his power effects and the power of his truth discourses. Ask a question. Concerning the second part of the book, one can also summarize Foucault's words about his upbringing in his aesthetic attitude, something that Foucault himself emphasizes. He believes that it is an artwork in itself. An art work that everybody has to make, and everybody has it in their own way. Regarding the evaluation of the Persian translation of this book, it can be said that although it has been translated into fluent and fluent language, the lack of an introduction by the Persian translators and the lack of a profile and last references of the book and some incorrect translations of Latin terminology are some of the shortcomings of this work.

Keywords: Enlightenment; Critical Attitude; Governmentality; Care of the Self; Foucault.

* Associate Professor of Philosophy, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Tabriz, Iran (Corresponding Author), asghari2007@gmail.com

** PhD Candidate of Philosophy, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, University of Tabriz, Iran, nmohajel@gmail.com

Date received: 2020-08-01, Date of acceptance: 2021-01-20

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

از رویکرد انتقادی تا خودپروری: نقد و بررسی کتاب نقد چیست؟ و پرورش خود

محمد اصغری*

ندا محجل**

چکیده

این مقاله به بررسی و نقد کتاب *نقد چیست؟* و *پرورش خود*، اثر میشل فوکو، هم از منظر محتوای کتاب و هم از منظر ترجمه فارسی آن می‌پردازد. فوکو در آثار واپسین خود مخصوصاً در این کتاب به موضوع روشن‌گری کانتی و مسئله اخلاق مراقبت از خویشتن نگرشی خاص به موضوع سوژه، حکومت‌مندی، و پرورش خود پرداخته است. فوکو در *نقد چیست؟* می‌کوشد رویکرد معرفت‌شناسانه کانتی به این سؤال که «چه می‌توانم بدانم؟» را به پرسش انتقادی تغییرجهت دهد و بر این باور است که نقد حرکتی بازتعریف می‌شود که سوژه با این حرکت این حق را به خود می‌دهد که از حقیقت درباره اثرهای قدرتش و از قدرت درباره گفتمان‌های حقیقتش پرسش‌گری کند. در بخش دوم کتاب او معتقد است که خود اثری هنری است. اثری هنری که هرکس باید بسازد و هرکسی آن را به‌نوعی در برابر خود دارد. در بخش دیگر، یعنی درباره ارزیابی ترجمه فارسی این کتاب، می‌توان گفت که هرچند به زبان سلیس و روان ترجمه شده است، فقدان مقدمه مترجمان و نداشتن نمایه و کتاب‌نامه و برخی ترجمه‌های نادرست از اصطلاحات لاتین از کاستی‌های این اثر محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: پرورش خود و فوکو، حکومت‌مندسازی، روشن‌گری، رویکرد انتقادی.

* دانشجوی گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)، asghari2007@gmail.com

** دانشجوی دکتری فلسفه معاصر، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، nmohajel@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

هیچ‌کس در نقد صاحب عنوان نیست، هیچ‌کس نظریه‌پرداز نیست. منتقد عام و رادیکال وجود ندارد. منتقد در خود و به‌تنهایی وجود ندارد. خود اثری هنری است. اثر هنری که هرکس باید بسازد و هرکسی آن را به‌نوعی در برابر خود دارد.

فوکو (۱۳۹۷: ۴۹، ۲۰۶).

۱. مقدمه

اندیشه میشل فوکو اندیشه‌ای بین‌رشته‌ای است؛ به این معنا که می‌توان آن را هم در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی، هم در حوزه فلسفه، و هم در سایر رشته علوم انسانی یافت و از این منظر نمی‌توان اندیشه او را به یک حوزه محدود کرد. اندیشه او مدام هم‌چون امواج دریا در تغییر و نوسان بوده است، هرچند روش تبارشناسی و دیرینه‌شناسی در آثار او حضوری تعیین‌کننده دارد. اندیشه پساساختارگرایی فوکو طیفی از مسائل فلسفی، اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی، هنری، اخلاقی، و غیره را در عصر ما به‌چالش کشیده است. شاید یکی از عوامل جذابیت اندیشه فوکو در ایران همین مسئله باشد و استقبال مخاطبان ایرانی از ترجمه آثار فوکو گواهی بر این موضوع است. اما نقد مدرنیته در تمامی آثار فوکو و مشخصاً این خصلت را می‌توان به‌وضوح در آثار واپسین او به‌ویژه در کتاب *نقد چیست؟* و *پرورش خود* دید. در آثار واپسین این فیلسوف فرانسوی می‌توان دیدگاهی اخلاق‌محور را مشاهده کرد که می‌کوشد فاعل اخلاقی را از طریق کار روی خود خویشتن و مراقبه خویشتن به‌نحو زیبایی‌شناسانه نه معرفت‌شناسانه یا اخلاقی شکل دهد و این کار را از طریق بازنگری انتقادی در اندیشه اخلاقی و اجتماعی فیلسوفان عصر روشن‌گری ازجمله ایمانوئل کانت انجام می‌دهد.^۱ البته نقش قدرت و کردارهای فرد و حکومت در شکل‌گیری هویت فردی عنصری مهم در تحلیل‌های فوکوست. به‌سخن دیگر، مسئله قدرت و نقش آن در تکوین خوداخلاقی چیزی است که فوکو همواره به آن توجه دارد. از دید او قدرت همه‌جاگستر سوژه‌های مطابق با اسلوب و قواعد همگانی می‌سازد: «ما [مدرن‌ها] بدیهی می‌پنداریم که این پرسش 'چگونه باید به سوژه بنگریم و چه چیزی او باید از خودش بسازد؟' باید برحسب قانون مطرح شود؛ یعنی در چه سویی، تا چه حدی، بر چه اساسی و درون چه مرزهایی، سوژه باید از قانون تبعیت کند؟» (دانیالی ۱۳۹۸: ۲۲۴). هرچند فوکو به فیلسوف حاشیه‌ها، گسست‌ها، و انفصال‌ها نه پیوندها معروف است، می‌توان از تاریخ جنون تا کتاب *نقد چیست؟* و *پرورش خود* یک ره‌یافت اخلاقی را مشاهده کرد. به‌عبارت دیگر،

در این فاصله زمانی فوکو «به دنبال تشریح امکان پرورش اخلاقی خود رها از دستورهای اخلاقی و معرفتی بوده است» (Prozorov 2007: 17). البته هدف از تشریح امکان پرورش اخلاقی رسیدن به نوعی آزادی اندیشه در کردار عمل اجتماعی و فردی است یا به قول فوکو «اندیشه عبارت است از آزادی در ارتباط با آنچه انجام می‌دهد» (ibid.: 17). این پرورش خود از طریق نقد ساختارهای اجتماعی و نظری از روشن‌گری تا امروز از دغدغه فوکو محسوب می‌شود. فوکو از اواخر دهه ۱۹۷۰ خود را در مسیر تفکر انتقادی کانتی قرار داده است و به‌صراحت خود را داخل سنت فلسفه انتقادی قرار داد که از کانت و هگل شروع شده و از نیچه، ماکس وبر، و دیگران عبور کرده و به مکتب فرانکفورت رسیده است. او گفته که تعریفش از روشن‌گری کمی متفاوت از تعریف کانت است و بر این باور است که تفکر انتقادی یا رویکرد انتقادی شکل هستی‌شناسی زمان حال یا اکنونیت، هستی‌شناسی مدرنیته، و هستی‌شناسی خویش‌نمان را به‌خود گرفته است (Cook 2018: 123).

در این جا سعی داریم به بررسی و نقد این کتاب هم از منظر محتوایی و هم از منظر ترجمه فارسی آن و جایگاه این اثر در بین آثار دیگر فوکو بپردازیم. سوای این نقد و بررسی، موضوع کتاب از جهت اجتماعی، اخلاقی، و فلسفی می‌تواند برای نسل جوان خوراک فکری مفیدی فراهم آورد و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی مثل دانشجویان فلسفه، و علوم اجتماعی می‌توانند با مطالعه این کتاب نگرششان به مسئله نقد و خودپروری در بستر اندیشه غربی را اصلاح کنند و آن را تغییر دهند.

۲. معرفی کلی اثر و مؤلف

کتاب نقد چیست؟ و پرورش خود از آثار مهم فوکو در اواخر عمرش محسوب می‌شود که به‌ترتیب در سال ۱۸۷۸ و ۱۹۸۳ در قالب دو سخن‌رانی، یکی در فرانسه و دیگری در آمریکا، برگزار شد. اما چند روز بعد او در جلسه پرسش و پاسخی در دانشگاه کالیفرنیا به سؤالاتی درباره موضوع این دو اثر پاسخ داد که در این کتاب گنجانده شده‌اند. این کتاب را دو مترجم ایرانی، نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، به زبان فارسی ترجمه کردند و نشر نی، از ناشران برجسته ایران در حوزه علوم انسانی، در سال ۱۳۹۷ در ۲۴۸ صفحه در ۱۵۰۰ نسخه و در قطع رقعی روانه بازار کتاب کرد. البته این کتاب از زبان فرانسه ترجمه شده است. دیباچه این اثر به قلم ویراستاران، یعنی آ. پ. فروشو و د. لورنتسینی، است و پیش‌گفتار خوب و روشن‌گر آن را دانیله لورنتسینی و آرنولد آی. دیویدسون نوشته‌اند. درباره این ویراستاران باید گفت که دانیله لورنتسینی از فوکوشناسان شناخته‌شده فرانسوی

است که به‌منزله استادیار دانشگاه وارویک به‌تازگی کتابی دربارهٔ فوکو به‌نام فوکو: کنش‌های سیاست‌لیبرال (۲۰۱۸) منتشر کرده است. آرنولد آی. دیویدسن، استاد فلسفه دانشگاه شیکاگو، نیز ازجمله پژوهش‌گرانی است که مطالعات مختلفی دربارهٔ فوکو و اندیشه‌های وی دارد و آخرین کتاب او به زبان انگلیسی و فرانسه پیدایش جنسیت: نقد معرفت‌شناختی بر شکل‌گیری/این مفهوم (۲۰۰۵) نام دارد. البته لازم بود که مترجمان محترم این کتاب اجمالاً به ویراستاران کتاب فوکو اشاره می‌کردند.

عکس روی جلد این کتاب تصویر میشل فوکو را، که گویی درحال انجام مصاحبه و گفت‌وگوست، نشان می‌دهد. البته پشت جلد کتاب نیز عکس فوکو درحال مطالعه را نشان می‌دهد. فهرست کتاب با «اختصارات آثار فوکو» آغاز می‌شود و با دیباچه و پیش‌گفتار به سخن‌رانی «نقد چیست؟» و «پرورش خود» فوکو به‌پایان می‌رسد و این دو سخن‌رانی کانون مرکزی کتاب را تشکیل می‌دهند. درادامه سه پرسش و پاسخ دربارهٔ پرورش خود در دانشگاه کالیفرنیا پایان‌بخش کتاب است.

نویسنده کتاب، میشل فوکو، چندان به معرفی نیاز ندارد، زیرا تقریباً غالب اهالی علوم انسانی به‌ویژه دانشجویان فلسفه و علوم اجتماعی تاحدودی با آثار و اندیشه‌های این متفکر فرانسوی قرن بیستم آشنایی دارند. میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴)، فیلسوف، مورخ، فعال سیاسی، و از بانفوذترین متفکرانی است که به فیلسوف پسااستارگرا و پست‌مدرن نیز مشهور شده است. او متفکر و فیلسوف نظام‌مندی مثل کانت، هگل، و مارکس نیست که صاحب یک روایت کلان و مدافع یک نظریه یا ایدئولوژی واحدی باشد، بلکه خود را این‌گونه معرفی می‌کند که «دغدغه اصلی من در زندگی و آثارم این است که غیر از آن کسی باشم که در ابتدا بودم» (Foucault 1988: 9). از این گفته فوکو پیداست که او پای‌بند یک نظریه، فلسفه یا دکتین نیست، بلکه متفکر و فیلسوف تغییرات و دگرگونی‌هاست و به زبان ساده او جست‌وجوگر نظام اندیشه‌های بشری است که تکوین، شکل‌گیری، و تأثیرات آن را در بستر تاریخ و شکل‌گیری سوژه و نسبت‌های آن با روابط قدرت و حقیقت نشان می‌دهد. هدف اصلی کارهای فوکو پرداختن تاریخی به شیوه‌های گوناگونی بوده است که به‌موجب آن‌ها انسان‌ها به سوژه تبدیل شده‌اند. بر همین اساس، پرسش اساسی وی این است که چگونه انسان‌ها در عصر مدرن به سوژه تبدیل شده‌اند؟ یا سازوکارهای شکل‌گیری سوژه خودبنیاد در عصر مدرن چگونه است؟ وی درپی بررسی شیوه‌های متفاوت سوژه‌شدن انسان است و درون‌مایه کلی پژوهش‌هایش نه قدرت، بلکه سوژه است (Foucault 1983: 209). او همانند دریدا، لکان، لیوتار، و دیگران به نقد ساختارهای اندیشه

فلسفی، اجتماعی، و سیاسی مغرب‌زمین پرداخته است. او دربارهٔ خودش گفته است که «از من پرس که کیستم و از من نخواه که همان بمانم». گواه این مدعا آثار فوکو از تاریخ جنون تا همین کتاب اخیر است که پیوسته در آن‌ها اندیشهٔ خویش را در حال تحول و تغییر توصیف کرده است، هرچند روش تبارشناسی و دیرینه‌شناسی او کم‌وبیش در تمامی نوشته‌هایش حضور دارد.

این کتاب با این‌که بیش از یک‌سال است که منتشر شده است، اما طیف وسیعی از اهالی علوم انسانی در رشته‌های مختلف مثل علوم اجتماعی، علوم سیاسی، فلسفه، و تاریخ را به‌خود جلب کرده است. به‌نظر می‌رسد که «نقد»، «روشن‌گری»، و «برساختن خویش» از مسائلی است که توجه نسل جوان کشور ما را بیش‌تر جلب کرده است و بنابراین استقبال از چنین کتاب‌هایی عمده‌تاً بازتاب تحولات فکری و سیاسی نسل امروز ایرانی است. زبان ساده، روشن، و مستدل فوکو در این کتاب هر خواننده‌ای را حتی از حوزه‌های غیر علوم انسانی به‌خود جذب کرده و می‌توان به جرئت گفت که انتشار نظرها و تحلیل‌های مختلف خوانندگان ایران در شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی یا اینترنت درخصوص مباحث این کتاب اهمیت چنین اثری را دوچندان کرده است.

۳. تحلیل بیرونی و خاستگاه اثر و مؤلف آن

اگر به زمینه و زمانهٔ نویسندهٔ کتاب نظری بیفکنیم خواهیم دید که تفکر پست‌مدرن و تفکر پساخترگرایی با رویکرد انتقادی به مدرنیته و بنیان‌های نظری آن از اواسط دههٔ شصت به بعد در فرانسه بیش از گذشته گسترش یافته است و متفکران گریز و گزیری از این فضا ندارند. جو حاکم بر اندیشه‌های فلسفی، اجتماعی، سیاسی، هنری، و فرهنگی از دههٔ شصت تا آخر قرن بیستم در فرانسه دارای ویژگی‌های خاصی است که در اوایل یا حتی اواسط قرن بیستم در فرانسه به‌چشم نمی‌خورد. از ویژگی‌های این دوره می‌توان اتخاذ رویکرد پساخترگراییانه و انتقادی به اندیشهٔ ساختارگرایی و مدرنیته، مبارزه با نظام‌های تمامیت‌خواه (Totalitarian Systems) در ساحت نظریه و عمل سیاسی، توجه به فرهنگ ادبی و هنری به‌منزلهٔ بدیلی درمقابل اندیشهٔ عقلانیت مدرنیته، و درنهایت مبارزه با دوگانگی‌های حاکم بر فرهنگ فلسفی و غیرفلسفی در فرانسه اشاره کرد.

فوکو سخن‌رانی *نقد چیست؟* را در سال ۱۹۷۸ ایراد کرد و همین اثر مقدمه‌ای برای اثر معروف دیگر او یعنی *روشن‌گری چیست؟* در سال ۱۹۸۴ شد. فوکو در *نقد*

چیست؟ نه تنها می‌خواهد بداند که نقد چه معنایی دارد، بلکه دنبال آن است که بفهمد چگونه نقد موضوع خودش را تعریف می‌کند و اثر موضوع نقد بر شکل‌گیری خود نقد چیست. یکی از آثار قبل از مرگ فوکو مقاله «روشن‌گری چیست؟» بود که از یک منظر هم مهم است، زیرا شخصیت‌ها یا بهتر بگوییم فیلسوفان سرشناسی نیز در آن سخن‌رانی حضور داشتند: ریچارد رورتی، یورگن هابرماس، چارلز تیلور، هیوبرت دریفوس، و پل رابینو (d'Entrèves 2000: 184).

میشل فوکو در این کتاب یا بهتر بگوییم در این دو سخن‌رانی سعی می‌کند تا پرسش کانت از «روشن‌گری چیست؟» را در بستر زمانه امروزی از نو طرح کند تا بتواند هم مسئله‌برساختن خویشتن و هم مسئله نقد را تحلیل کند. فوکو در دهه هفتاد و هشتاد قرن بیستم در فرانسه مسئله نقد، حکومت‌مندی، و روشن‌گری کانتی را مخصوصاً در بحث آزادی اجتماعی برای آن مسئله‌ای زنده و پویا توصیف می‌کند. سخن‌رانی او درباره خودپروری نیز در ارتباط با بحث روشن‌گری مطرح می‌شود.

۴. تحلیل درونی و جایگاه اثر

در تحلیل درونی اثر چاره‌ای نداریم جز این که تصویری از محتوای کتاب برای خواننده ایرانی ارائه دهیم تا بهتر بتوان رویکرد نویسنده را در تحلیل مباحث دید و از همین منظر نیز بهتر می‌توان جایگاه این اثر را در بین سایر آثار او مشخص کرد، اما در ابتدا به تحلیل و ارزیابی درونی اثر می‌پردازیم و سپس به جایگاه آن در بین آثار مشابه اشاره خواهیم کرد. پیش‌گفتار اجمالاً به سیر دگرگونی فکری فوکو می‌پردازد، اما درخصوص این دو سخن‌رانی با فاصله پنج سال تأکید دارد که به‌زعم نویسنده به‌لحاظ محتوا از هم دورند، اما لورنتسینی و دیویدسن در پیش‌گفتار این کتاب می‌نویسند که «باین‌حال میان این دو سخن‌رانی دست‌کم یک نقطه مماس بنیادین وجود دارد که ارزش و اهمیتش درخور مطالعه مفصل است... این نقطه مماس ارجاع فوکو است به متن کانت با عنوان روشن‌گری چیست؟» (فوکو ۱۳۹۷: ۱۵).

فوکو در نقد چیست؟ می‌کوشد تا رویکرد معرفت‌شناسانه به این سؤال که «چه می‌توانم بدانم؟» را به پرسش انتقادی تغییر جهت دهد و بر این باور است که «نقد حرکتی بازتعریف می‌شود که سوژه با این حرکت این حق را به خود می‌دهد که از حقیقت درمورد اثرهای قدرتش و از قدرت درمورد گفتمان‌های حقیقتش پرسش‌گری کند» (همان: ۲۰-۲۱). جان

کلام فوکو دربارهٔ رویکرد انتقادی در نقد چیست؟ «اراده به حکومت نشدن» است. درواقع او تعریف کانت از روشن‌گری، یعنی شجاعت در به‌کارگیری فهم خویش خارج از رابطه با دیگری، را به رویکرد عملی در مقاومت در برابر قدرت ارشاد حکومتی در ساحت میان سوژه، قدرت، و حقیقت تغییر می‌دهد. بنابراین، می‌بینیم که فوکو «هنر این همه حکومت‌نشدن را به‌منزلهٔ تعریفی صرفاً اولیه از نقد» پیش‌نهاد می‌کند. او در این اثر از روش تبارشناسی خود استفاده می‌کند و هنر حکومت بر آدمیان را به‌لحاظ تاریخی به هنر معنوی و دینی اولیای اولیهٔ جامعهٔ مسیحی نسبت می‌دهد. کانون نقد اساساً در بستر اکنونیت ما عبارت است از نسبت‌های حاکم بین سوژه، قدرت، و حقیقت. فوکو می‌کوشد در این اثر پرسش کانت را دربارهٔ «روشن‌گری چیست؟» به‌روزرسانی کند؛ یعنی روشن‌گری کانتی را در نسبت‌های میان قدرت‌ها، حقیقت، و سوژه دربارهٔ هر لحظه از تاریخ به‌کار گیرد (همان: ۷۵). این به‌روزرسانی به‌معنای احیای رویکرد کانتی نیست، بلکه می‌کوشد نگرش کانتی به انسان به‌مثابهٔ فاعل خودمختار و فی‌نفسه هدف را به فاعل سازندهٔ خویشتن تبدیل کند و روشن‌گری فرایندی است که به سوژه‌ها این امکان را می‌دهد که خود را به‌مثابهٔ سوژهٔ اخلاقی برسانند (Zhang 2010: 17). بنابراین، اثر فوکو نوعی بازگشایی یا پرسش مجدد از ماهیت روشن‌گری است و درواقع پرسش فوکو این است که روشن‌گری کانت چه‌طور توانست تفکر مغرب‌زمین را در مسیر و افق جدیدی قرار دهد.

بعد از اتمام این سخن‌رانی فوکو در جلسهٔ پرسش و پاسخ به پرسش‌های دیگران پاسخ می‌دهد. درابتدا آنری گویه و نوئل مولو از رویکرد انتقادی فوکو می‌پرسند و او در پاسخ می‌گوید که باید ریشهٔ تاریخ رویکرد انتقادی در غرب مدرن از قرن پانزدهم و شانزدهم به بعد را در مبارزات دینی و رویکردهای معنوی نیمهٔ دوم قرون وسطی جست‌وجو کرد (همان: ۹۱). او حتی به‌صراحت می‌گوید که «می‌توانم بگویم عرفان یکی از نخستین شکل‌های مهم و بزرگ شورش در غرب بوده است» (همان: ۱۰۰). اما فوکو برخلاف بسیاری از آثار دوران اولیهٔ فکری‌اش مثل تاریخ جنون (مملو از گزارش‌های ریز و مفصل روی‌دادها و حوادث تاریخی دربارهٔ دیوانگان است) مثال و نمونه یا مصداق تاریخی برای تبارشناسی رویکرد انتقادی‌اش در این اثر نمی‌آورد.

بخش دوم کتاب به پرورش خود اختصاص یافته است. چنان‌که پیش‌تر نیز گفتیم اثر کانت یعنی روشن‌گری چیست؟ حلقهٔ ارتباط نقد چیست و پرورش خود فوکوست. اجازه دهید مهر تأیید بر این مطلب را از خود فوکو بگیریم: «برای آن‌که توضیح دهم چرا درون‌مایهٔ 'پرورش خود' به‌منزلهٔ پرسش فلسفی و تاریخی برایم جالب است، باید نقطه

عزیمتم را متن کوتاهی از کانت در نظر گیرم که در ۱۷۸۴ نوشت: 'متن روشن‌گری چیست؟' (همان: ۱۱۰). ممکن است بپرسیم که چرا فوکو این اثر کانت را به‌منزله نقطه عزیمت خود برگزیده است؟ پاسخ را باید در مفهوم اکتونیت جست. به‌زعم فوکو، این متن نوع تازه‌ای از پرسش را در حوزه تأمل فلسفی وارد کرد و آن پرسش از ماهیت، معنا، و دلالت تاریخی و فلسفی لحظه خاصی است که فیلسوف در آن می‌نویسد و خودش بخشی از آن است؛ یعنی اکتونیتی که در آن زندگی می‌کند. هدف از توجه به اکتونیت فوکو این است که به قول خود این است که «چگونه می‌توانیم شیوه شکل‌گیری‌مان از خلال تاریخ اندیشه‌مان را تحلیل کنیم؟» (همان: ۱۱۸). بری اسمارت بر این باور است که آثار فوکو «تاریخ زمان حال» را ارائه می‌کنند و این به‌معنای تحلیل تبارشناسانه صور عقلانیت و فنون قدرت سازنده زمان حال است. چنین تحلیلی نه از طریق برساختن نظریه‌ای کلی، بلکه با بررسی مشروح و دقیق پیوندهای میان صور تجربه انسانی و روابط قدرت و معرفت مقدور می‌شود (اسمارت ۱۳۸۵: ۱۶۷).

پرورش خویشتن و خودشناسی مسئله‌ای است که در تاریخ اندیشه غربی ریشه در یونان باستان دارد و فوکو با رویکرد تاریخ‌گرایانه خود مفصل به این موضوع پرداخته و آن را تا زمان حال دنبال کرده است. فوکو استدلال می‌کند که یونانیان باستان بین (شعار سقراطی) «خودت را بشناس» و شعار «مراقب خودت باش» تمایز روشنی قائل بودند و اولی را تابع دومی می‌دانستند (Alan Deacon 2003: 127). خود فوکو در کتاب حاضر می‌گوید:

نخست سقراط؛ در آپولوژی، نوشته افلاطون، سقراط را می‌بینیم که در برابر قضات، خود را مرشد دغدغه خود معرفی می‌کند... سقراط مراقب است هم‌شهری‌هایش دغدغه خویشتنشان را داشته باشند. او می‌پندارد این وظیفه را خداوند به او محول کرده است و او این وظیفه را تا دم آخر رها نمی‌کند (فوکو ۱۳۹۷: ۱۲۰-۱۲۱).

او سپس ادامه می‌دهد که همین انگاره «Epimeleia Heautou»، یعنی دغدغه خود را هشت قرن بعد با نقشی به همان اندازه مهم نزد مؤلفی مسیحی به‌نام (قدیس) گری گوریوس نیسا می‌یابیم (همان: ۱۲۱). اما به‌عقیده او در حال حاضر این انگاره محو و گنگ شده است.

در قسمت بعدی کتاب در سه جلسه پرسش و پاسخ در گروه فلسفه دانشگاه کالیفرنیا، گروه تاریخ کالیفرنیا، و در گروه زبان فرانسه دانشگاه کالیفرنیا به تفصیل به پرسش‌هایی درباره پرورش خود پاسخ می‌دهد. یکی از محاسن این سه پرسش و پاسخ این است که به‌برخی سؤالاتی پاسخ می‌دهد که ابهام‌های زیادی را ممکن است در

«پرورشِ خود» ذهن خواننده را مشغول کرده باشد. فوکو در بحث تکنیک‌های خود به این موضوع شبه‌لکانی اشاره می‌کند که سوژه (The Subject) یا خود (The Self) واقعیتی از قبل داده شده و متعین نیست که مطابق چهارچوبی معین رشد کند، بلکه باید سوژه یا خود را در مقام سوژه‌ای اخلاقی بر ساخت (همان: ۱۵۲). در مورد سؤالی دربارهٔ چیستی اصطلاح «پرورش» نیز می‌گوید که «پرورش خود دلالت دارد بر شکل‌دهی روابطی معین با خویش، ... پرورش خود مجموعه‌ای از تکنیک‌هاست. خود این روابط را برمی‌سازد... [برای] این پرورش روابط با خود و این تکنیک‌های رابطه با خویش باید تمریناتی انجام گیرد» (همان: ۱۵۶) و در نهایت معتقد است که پرورش خود فعالیتی اجتماعی است (همان: ۱۵۷).

اجازه دهید جان کلام فوکو دربارهٔ پرورش خود را در نگرش زیبایی‌شناختی او به خود خلاصه کنیم؛ آن‌چه خود فوکو بر آن تأکید دارد. او می‌نویسد:

خود اثری هنری است. اثری هنری که هرکس باید بسازد و هرکسی آن را به نوعی در برابر خود دارد. هرکسی به خود خاص خودش دست نمی‌یابد، مگر در پایان زندگی و در لحظهٔ مرگ. از همین روست ارزش‌دهی بیش از اندازه و بسیار جالب به سال‌خوردگی و آخرین لحظهٔ زندگی و مرگ در این مفاهیم (همان: ۲۰۶).

داوینگ بر این باور است که فوکو در پاسخ به سؤال روشن‌گری چیست کانت، از کانت به بودلر، از اخلاق به زیبایی‌شناسی تغییر مسیر می‌دهد (Downing 2008: 58). بنابراین می‌بینیم که فوکو در پرورش خود رویکرد زیبایی‌شناختی را به رویکرد اخلاقی کانتی در پرورش خویش ترجیح می‌دهد. این کتاب در واقع نشان می‌دهد که فوکو تا چه حد به زیبایی‌شناسی اهمیت می‌دهد.

چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، پیوند بین این دو سخن‌رانی در قالب یک کتاب چیزی است که فوکو بارها بر آن تأکید دارد و رویکرد انتقادی و هستی‌شناسی خویش را در ارتباط تنگاتنگ می‌داند. مفهوم اکنونیت او در پرورش خود یک پرسش فلسفی است؛ یعنی «ما اکنون چیستیم؟» یا «اکنونیت‌مان چیست؟» او می‌نویسد:

این پرسش‌ها به آن چیزی می‌پردازند که من هستی‌شناسی تاریخی خویش‌نمان یا تاریخ انتقادی اندیشه می‌نامم. در چهارچوب همین نوع دوم از پرسش‌هاست که به مطالعاتی تاریخی در باب دیوانگی یا پزشکی، جرم، و تنبیه یا سکسوالیته دست زدیم (همان: ۱۱۶-۱۱۷).

۵. نقد و ارزیابی اثر

البته باید گفته شود که نقد اندیشه فوکو جز با مطالعه عمیق در تمامی آثار او ممکن نیست و ما در این جا چنین قصدی نداریم، بلکه می‌کوشیم نقد و ارزیابی مان را از دو منظر مطرح کنیم؛ یکی از منظر مفسران و فیلسوفانی که رویکرد انتقادی به اندیشه فوکو دارند و دیگر از منظر ترجمه فارسی این کتاب.

درست است که فوکو درخصوص روشن‌گری در اواخر عمرش بحث کرده است، اما رگه‌هایی از نقد و ارزیابی روشن‌گری کانتی را می‌توان در آثار اولیه فوکو نیز مشاهده کرد. برای مثال، تاریخ جنون فوکو واکنشی انتقادی به رویکرد عقل‌گرایانه کانتی به بحث آزادی، عقل، و روشن‌گری است. فوکو در هیچ‌جای این اثر به این موضوع اشاره نمی‌کند. لیزا داوینینگ بر این باور است که می‌توان «به اشکال مختلف دفاع فوکو از جنون به‌مثابه نقد وسیع و کلان پروژه روشن‌گری در مسیر دیالکتیک روشن‌گری هورکهایمر و آدورنو تلقی کرد» (Downing 2008: 27). مطلب دیگری که داوینینگ به آن اشاره می‌کند این است که فوکو سهم نیچه در نقد روشن‌گری و پروژه عقل‌گرایی مدرنیته را در سخن‌رانی‌اش کم‌رنگ جلوه داده است، حال آن‌که نیچه قبل از فوکو به بسیاری از آرمان‌های عصر روشن‌گری و دیدگاه کانتی به دلیل غفلت از تفاوت‌ها و کثرت‌ها تاخته است. در پیش‌گفتار و دیباچه کتاب نیز نمی‌بینیم که دانیله لورنتسینی و آرنولد آی. دیویدسون به این موضوع ولو به‌طور اجمالی یا تلویحی اشاره کرده باشند.

درخصوص ترجمه فارسی اثر باید گفت که مترجمان این اثر در حوزه فلسفه و تاحدودی در حوزه علوم اجتماعی در کشور شناخته‌شده‌اند. آن‌ها این کتاب را از متن فرانسوی ترجمه کرده‌اند و یکی از محاسن این ترجمه این است که از زبان اصلی، یعنی فرانسه، ترجمه کرده‌اند و نکته مثبت دیگر در این ترجمه متن سلیس و روان فارسی برای خواننده است و افزودن اصطلاحات و مفاهیم در پانویست توسط مترجمان خواندن این متن را آسان می‌کند. بااین‌حال، چندین کاستی در ترجمه وجود دارد که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. باید متذکر شد که مترجمان درباره متن فرانسوی و انگلیسی^۲ این کتاب توضیح کافی نداده‌اند و می‌توانستند حداقل در قسمت دیباچه در پانویست توضیحی درباره این امر بدهند و این از جمله کاستی‌هایی است که در این کتاب به چشم می‌خورد. به‌سخن دیگر، اگر مقدمه یا قسمتی به نام «سخن مترجم یا مترجمان» به این کتاب می‌افزودند، این نقص برطرف

می‌شد و در این قسمت می‌توانستند ذهن خواننده را دربارهٔ کم‌وکیف ترجمه و منبع کتاب راضی کنند و توضیح دهند که مترجمان این اثر مهم فوکو را چگونه و به چه شکلی ترجمه کرده‌اند و دخل و تصرف‌هایشان در این به چه نحوی بوده و کجاها تغییراتی صورت گرفته است. به‌هرروی این کاستی بزرگی است که امید است در چاپ‌های بعدی این نقص برطرف شود؛

۲. بهتر بود که مترجمان در قالب یک مقدمه به معرفی کلی و اجمالی اثر و شیوهٔ ترجمه خودشان می‌پرداختند و نسبت و رابطهٔ این اثر با آثار دیگر فوکو را بیان می‌کردند تا تصویری کلی از جایگاه این اثر در بین سایر آثار فوکو در ذهن خواننده شکل می‌گرفت. متأسفانه این کتاب فاقد مقدمهٔ مذکور است؛

۳. برخی جاها عبارت‌های فلسفی درست و صحیح ترجمه نشده‌اند و این ترجمه‌های نابه‌جا و نادرست حتی گاهی به‌کلی معنا را دگرگون کرده‌اند. برای مثال، در صفحهٔ ۲۹ در بند دوم رسالهٔ کانت به‌نام *The Conflict of Faculties* به «تعارض قوا» ترجمه شده است که کاملاً با مفهوم و مضمون رساله در تضاد است، زیرا مضمون این رساله به جدال و تعارض دیدگاه‌ها و نگرش‌های دانشکدهٔ الهیات و فلسفه در روزگار کانت اشاره دارد. بنابراین، ترجمهٔ صحیح عبارت «جدال دانشکده‌ها» است، نه عبارت «تعارض قوا». این ترجمهٔ نادرست نشان می‌دهد که مترجمان هیچ اطلاعی از مضمون این رساله ندارند؛

۴. هم‌چنین در صفحهٔ ۹۷ واژهٔ *Anachronism* به «زمان‌پریشی» ترجمه شده است که به‌نظر می‌رسد معادل خوبی نیست و برای این واژه عبارت «نابه‌نگامی» معادل مناسبی است؛

۵. در صفحهٔ ۱۱۱ نیز ترجمهٔ نام موسی مندلسون (Moses Mendelssohn) به‌صورت موسس مندلسزون آمده است که نادرست است؛

۶. اغلاط تایپی بسیار نادر است، اما برخی جاها به‌چشم می‌خورد؛ مثلاً در صفحهٔ ۲۱۷ در بند سوم سطر آخر عبارت «کترشان» باید به «کترلشان» تغییر یابد. در صفحهٔ ۸۳ در سطر آخر کتاب «در غلطد» نادرست است و عبارت «در غلتد» صحیح است و در صفحهٔ ۱۹۹ در آخرین سطر این صفحه واژهٔ «پروش» غلط تایپی است و باید به‌صورت «پرورش» اصلاح شود؛

۷. یکی از کاستی‌های این کتاب نداشتن قسمت «نمایه» در آخر کتاب است. داشتن نمایه برای هر کتابی این مزیت را دارد که خواننده و مخصوصاً پژوهش‌گر به‌آسانی می‌تواند یک واژهٔ موردنظر را در صفحات مختلف کتاب دنبال و مطالعه کند. بنابراین، توصیه می‌شود در صورت تجدید چاپ بخش نمایه اضافه شود؛

۸. کتاب مهم و پراهمیتی مثل این کتاب حداقل می‌توانست قسمت منابع یا قسمتی به نام «منابعی برای مطالعه بیش‌تر» نیز داشته باشد تا خوانندگان بتوانند حداقل به منابع فارسی، که خود مترجمان در پانوشت‌ها به آن‌ها ارجاع داده‌اند، و منابع لاتین خود کتاب مراجعه کنند؛

۹. یکی از محاسن این کتاب ارجاعات و معادل‌های لاتین، فرانسوی، و انگلیسی است که خود فوکو و گاهی مترجمان فارسی به آن افزوده‌اند. فوکو در پرورش خود معادل‌های یونانی، لاتین، فرانسوی، و انگلیسی اصطلاح پرورش خود را بیان می‌کند. او می‌نویسد «انگاره‌ای که نقطه عزیمت این کار انتخاب کرده‌ام آن چیزی است که یونانیان Epimeleia Heautoudouk و لاتین‌زبان‌ها Cura Sui می‌نامیدند. ترجمه این اصطلاحات چندان ساده نیست، اما تلاشم را می‌کنم: Epimeleia Heautou در زبان انگلیسی چیزی است نظیر The Concern with Oneself و در زبان فرانسوی Le Souci de Soi شکل فعلیه دغدغه خود به معنای «پرداختن به خود»، «خود را تیمارکردن»، و «دغدغه خود را داشتن» است (همان: ۱۲۰). فوکو سیر تاریخی این اصطلاح را از یونان باستان (از شعار خودت را بشناس سقراطی) تا قرون وسطی و از قرون وسطی تا امروز دنبال می‌کند^۳ و نشان می‌دهد که چرا این مفهوم امروزه و درون‌مایه این مفهوم، یعنی تکنیک‌های پرورش خویشتن، ناپدید شد و چهار دلیل می‌آورد تا نشان دهد که اصل «خویشتن را تیمار کن» نزد ما فراموش شده است: دلیل نخست این است که عرفان مسیحی به نحو پارادوکسیکال شکل نوعی قربانی کردن به خود گرفت؛ یعنی از خود و خواسته خویش چشم‌پوش. دلیل دوم این است که اکثر تکنیک‌های خودپروری در تکنیک‌های آموزشی، روان‌شناختی، و پزشکی ادغام شده‌اند. سومین دلیل این است که علوم انسانی فرض می‌کند که رابطه با خود و خویشتن صرفاً رابطه‌ای معرفتی و شناختی است و چهارمین دلیل این است که اغلب تصور می‌شود که باید کاری انجام دهیم که واقعیت پنهان ما برملا، آشکار، و کشف شود؛ حال آن‌که فوکو منکر ذات پنهانی بشر است.

۶. اعتبار منابع و کفایت آن‌ها

تقریباً آثار مهم و کلیدی فیلسوفان و متفکران در پانوشت‌های این کتاب آورده شده است، هرچند بهتر بود در آخر کتاب همه این منابع یک‌جا آورده می‌شدند. مترجمان فارسی برخی منابع ترجمه‌شده فارسی مثل روشن‌گری چیست؟ کانت را افزوده‌اند که برای راهنمایی خواننده بسیار روشن‌گر و مفیدند، اما همان‌طور که در ابتدا اشاره شد چون متن اصلی این

کتاب به زبان فرانسه است، اکثر منابع به زبان فرانسوی است و از منابع معتبر و مهمی است که خود فوکو و ویراستاران کتاب ذکر کرده‌اند.

اگر از منظر دقت در استنادات، ارجاعات، و رعایت امانت به کتاب بنگریم، باید گفته شود که چون مطالب کتاب در قالب سخن‌رانی، نه نوشته‌ای با ارجاعات مرسوم، تدوین شده است، بنابراین انتظار نمی‌رود که ارجاعات درون‌متنی یا APA یا روش‌های ارجاع‌دهی دیگر در آن به کار رفته باشد. ارجاع پانویست خود فوکو به هم‌راه معرفی برخی منابع برای ایضاح مطالب توسط مترجمان در این کتاب امری است که در دهه هشتاد و نود مرسوم بوده است.

۷. میزان دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی

در این کتاب، اصطلاحات فراوانی به کار رفته است و مترجمان سعی کرده‌اند تا در کنار معادل‌های فرانسوی، معادل‌های انگلیسی برخی اصطلاحات را بیاورند که از محاسن این ترجمه محسوب می‌شوند. برای مثال، مترجمان در پانویست صفحه ۸۳ اصطلاح «اعتباری‌بودن» را هم به زبان فرانسه (Arbitraire) و هم به انگلیسی (Arbitrary) آورده‌اند، اما Arbitraire به معنای اختیاری بودن است. درباره سایر ترجمه معادل‌های لاتین در متن کتاب روشن‌گری مناسبی از جانب مترجمان صورت نگرفته است، برای نمونه در صفحه ۱۳۱ مترجمان معادل لاتین Epimeleia Tes Psuches را بدون این که معادل فرانسوی یا انگلیسی آن را بیاورند، به «تیمار روح و روان» ترجمه کرده‌اند.

۸. نیازهای جامعه و کتاب حاضر

امروزه در کشور ما توجه به مسائل اخلاقی، اجتماعی، مسئله نقد اندیشه‌ها، کردارهای اجتماعی افراد، و حکومت از دغدغه‌های مهم و اصلی نسل جوان و دانشجویان است و در کنار این، توجه به خواست‌ها، امیال، و دغدغه‌های شخصی در جهت ارضای نیازهای فردی، هم در گفتمان‌های رایج در جامعه و رسانه و هم در مباحث مطرح در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، چنین کتاب‌هایی را از محبوبیت بیش‌تری برخوردار می‌کند.

۹. نتیجه‌گیری

باتوجه به آنچه در مقدمه درباره اهمیت اندیشه فوکو برای مباحث علوم اجتماعی و نقش آزادی در خودپروری در جامعه آمد، می‌توان گفت که این کتاب از منابع مهم در بازخوانی

اندیشه روشن‌گری قرن هجدهم اروپایی و به‌ویژه نوعی به‌روزرسانی‌شده پرسش مهم کانت، یعنی روشن‌گری چیست؟، در اواخر قرن بیستم محسوب می‌شود و ازدیگرسو، مسئله خودپروری به‌منزله یکی از مضامین کلیدی مرتبط با نقد چیست این کتاب با مفهوم «خودآفرینی» فیلسوفان پست‌مدرنی مثل ریچارد رورتی در قرن ۲۱ ارتباط مستقیمی دارد و این ارتباط را می‌توان در نفوذ اندیشه فوکو بر تفکر نوپراگماتیستی رورتی آمریکایی مشاهده کرد. از دید این متفکر پرورش خود از طریق نقد ساختارهای اجتماعی و نظری از روشن‌گری تا امروز دغدغه انسان معاصر است. فوکو از اواخر دهه ۱۹۷۰ خود را در مسیر تفکر انتقادی کانتی قرار داده است و به‌صراحت خود را در داخل سنت فلسفه انتقادی قرار داد که از کانت و هگل شروع شده و از نیچه، ماکس وبر، و دیگران عبور کرده و به مکتب فرانکفورت رسیده است، اما خودش گفته است که تعریف او از روشن‌گری کمی متفاوت از تعریف کانت است.

وقتی به ترجمه بسیاری از آثار فیلسوفان پست‌مدرن مثل دریدا، لیوتار، رورتی، و برخی متفکران فمینیست در ایران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که غالب مترجمان در مقدمه‌هایی که بر آن کتاب‌ها نوشته‌اند، در مباحث مربوط به «نقد و پرورش خود» به سهم فوکو در اندیشه این متفکران اذعان کرده‌اند، اما در کنار این مسئله، ترجمه این کتاب می‌توانست بهتر صورت بگیرد، اگر مترجمان مقدمه‌ای به ابتدای کتاب می‌افزودند و در آن جایگاه این کتاب را شرح می‌دادند و گزارشی کوتاه از محتوای آن را به خواننده ارائه می‌کردند. البته همان‌طور که گفتیم، اگر این کتاب نمایه و کتاب‌نامه داشت، بهتر و راحت‌تر می‌توانست در فوکوپژوهی استفاده شود. البته کتاب به همین شکل نیز یکی از منابع معتبر و مهم در فوکوپژوهی در ایران محسوب می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه بیش‌تر درباره این موضوع خواندن مقاله خوب و روشن‌گر زیر توصیه می‌شود:

Kosmala, K. and J. McKernan (2011), "From Care of the Self to Care for the Other: Neglected Aspects of Foucault's Late Work", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, vol. 24:

<<https://www.doi.org/10.1108/095135711112405>>.

۲. مشخصات متن انگلیسی روشن‌گری چیست؟ و مشخصات متن فرانسوی نقد چیست؟ فوکو به شرح زیر:

از رویکرد انتقادی تا خودپروری: ... (محمد اصغری و ندا مجدل) ۶۵

Foucault, M. (1984a), "What is Enlightenment?", in: *The Foucault Reader*, P. Rabinow (ed.), New York: Pantheon.

Foucault, M. (1990e), "Qu'est-ce Que la Critique?", *Bulletin de la Societe Fran; aise de Philosophie*, vol. 84, no. 2.

متن انگلیسی نقد چیست فوکو:

Foucault, M. (1997b), "What is Critique?", in: *The Politics of Huth*, S. Lotringer and L. Hochroth (eds.), New York: Semiotext (e).

۳. نکته جالب توجه در این جا این است که فوکو به پرورش خود در ایران نیز اشاره می کند: ... و در کتاب تربیت کوروش، نوشته گزنوفون، کوروش را (او که به قول گزنوفون الگوی شاه کبیر و انسان کامل است) می بینیم که پس از چندین پیروزی و فتوحات بزرگ به قصرش بازمی گردد و آن جا دوستان و یاران قدیمی اش را ملاقات می کند و از آنان می پرسد: «خب حالا چه کنیم؟» و خودش پاسخ می دهد. پاسخش این نیست که «از امپراتوری جدید مراقبت می کنم یا مراقبت می کنیم»، بلکه می گوید: «و حالا که پیروزی هایی به دست آورده ایم باید به خویشنتمان پردازیم». برای مطالعه بیش تر، فوکو ۱۳۹۷: ۱۲۷).

کتاب نامه

اسمارت، بری (۱۳۸۵)، میشل فوکو، ترجمه لایلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: اختران.
دانیالی، عارف (۱۳۹۸)، «امپراتوری نگاه خیره: از قدرت متشتر فوکویی به کیچ در کوندر (مطالعه موردی: رمان بار هستی)»، در مجله پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، د ۱۳، ش ۲۹.
فوکو، میشل (۱۳۹۷)، نقد چیست؟ و پرورش خود، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان دیده، تهران: نشر نی.

Alan Deacon, Roger (2003), *Fabricating Foucault: Rationalising the Management of Individuals*, Marquette University Press.

Cook, Deborah (2018), *Adorno, Foucault and the Critique of the West*, Verso Books.

d'Entrèves, M. P. (2000), "Critique and Enlightenment: Michel Foucault on 'Was ist' Aufklärung?", in: *The Enlightenment and Modernity*, N. Geras and R. Wokler (eds.), London: Palgrave Macmillan.

Downing, Lisa (2008), *The Cambridge Introduction to Michel Foucault*, Cambridge University Press.

Foucault, M. (1983), "The Subject and Power", in: *Michel Foucault: Beyond Structuralism and Hermeneutics*, Hubert L. Dreyfus and Paul Rabinow (eds.), Chicago: The University of Chicago Pres.

- Foucault, M. (1988), "Truth, Power, Self: An Interview with Michel Foucault", in: *Technologies of the Self: A Seminar with Michel Foucault*, L. Martin, H. Gutman and P. Hutton (eds.), Amherst, MA: University of Massachusetts Press.
- Kosmala, K. and J. McKernan (2011), "From Care of the Self to Care for the Other: Neglected Aspects of Foucault's Late Work", *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, vol. 24, no. 3: <<https://www.doi.org/10.1108/0951357111112405>>.
- Prozorov, Sergei (2007), *Foucault, Freedom and Sovereignty*, Ashgate Publishing Company.
- Zhang, Wei (2010), *What Is Enlightenment: Can China Answer Kant's Question*, SUNY Press.